

نیکو کاری

تجلی نیکی‌ها

هدف اسلام چیست ؟

برنامه های پرورشی و تعلیماتی اسلام در جهت گسترش تفکرات عمومی اجتماعی و توسعه افق دید و اندیشه مردم تنظیم و تدوین گردیده است ، زیرا هر قدر میدان وافق دید آدمی دامنه دارتر و سطح افکار بالاتر و دقیق تر باشد بهتر می تواند از تاریکی خود خواهی و انحصارطلبی بیرون آید ، این برنامه طوری طرح ریزی شده که در عین تقویت روحیه فردی روحیه اجتماعی را نیز تمرین بخش میگرداند ، تا شخص در یکنوا گرائی و همکاری با جامعه همبستگی را حفظ کند ، و جامعه متشکل از افرادی گردد که نه بی - شخصیت و تو خالی باشند و نه خودخواه و بی تفاوت نسبت بیکدیگر .

علاقه ها و پیوندهای اجتماعی در جامعه اسلامی با پیوند الهی مربوط است ، مردم بیکدیگر را به نیکی و تقوی و کارهای شایسته وامیدارند و با هم برای ایجاد محیطی همکاری می کنند که نسلهای در حال رشد در پرتو ایمان و عقیده پاک بغير و نیکی و اعمال شایسته بیندیشند ؛ بالاخره همه نیروهای سازنده مردم در راه سازندگی و خیر بحرکت درمی آید ، نه برای اعمال در راه شر و فساد ؛ بدین ترتیب هدف و عمل افراد اجتماع یکسان ، حس تعاون و همکاری در همه بیدار ، دلها بهم نزدیک ، و کنش های فردی و اجتماعی بمنظور خدمت بانسانیت بکار می افتد .

از آنجائیکه اسلام ذاتاً اقتضای جامعه ای همکار و همدرد برای اقامه وظائف اجتماعی خود را دارد ، و نیکی و نیکو کاری اساس اخلاق اسلامی و از برنامه های اصلی آن است ، لهذا هشدار می دهد هر که فکر خدمت با اجتماع را نداشته باشد مسلمان نیست .

پیامبر گرامی اعلام می کند :

« آنکس که سر از خواب بردارد و بامور مسلمانان توجهی نکند

مسلمان نیست (۱)

هنگامی که از آنحضرت پرسیده شد محبوب ترین مردم در پیشگاه خداوند کیست ؟

پاسخ دادند : او، کسی است که بیشتر از همه برای مسلمانان مفید باشد (۲)

روزی که اسلام بردنیای جاهلیت طلوع کرد مکتبی عرضه داشت که سراسر شئون فرد و اجتماع را دربر گرفت ، بر روابط مردمی که کینه توزی، جاه طلبی ، شهوت رانی و استثمار حاکم بود بتزکیه اخلاق و پالایش روانی این چنین ملتی همت گماشت ، و آنان را به برادری نیکوکاری ، هربانی و دوستی بی آرایش دعوت کرد ، و شخصیت مثبت هر فرد را بر اساسی بنیان نهاد که هیچ عامل افتراقی از قبیل بنف و کینه و انزوا آنها را از یکدیگر جدا نمی ساخت و بدین ترتیب به تشکیل یک جامعه نیرومند و با فضیلت اقدام ورزید .

در آن جامعه که ایمان و نیکوکاری و خدمت میزان ارتقاء و رفعت شناخته می شد ، هر

فرد چنان بسر نوشت دیگران احساس دل بستگی و مسئولیت می کرد که گویی به تنهایی عهده دار کار همه است ، منتهای علاقه ، آخرین حد بخشش ، و نهایت از خود گذشتگی و ایثار نسبت

یکدیگر داشتند ، قرآن مقدس این رابطه درخشان و عالی را بدینگونه توصیف می نماید :

« گروه انصار که خانه و قلب خود را برای پذیرائی از مهاجرین آماده

ساختند دوست میدارند کسانی را که بشهر آنها هجرت کردند و در دل خود

هیچگونه بخل و حسدی نسبت به آنها احساس نمی کنند و با اینکه خودشان

نیاز و احتیاج بچیزی دارند باز هم مهاجرین را بر خود ترجیح داده و

مقدم می شمارند . » (۳)

قرآن نیکوکاران را چنین معرفی می کند :

نیکوکار کسی است که دارائی خود را در راه دوستی خدا به خویشان

و یتیمان و فقرا و رهگذران نیازمند و مستمندان بدهد و هم در آزاد ساختن

بندگان صرف کند » (۴)

بنابراین از نشانه های بارز مسلمان ، محبت و نیکی کردن است ، محبت و بخشش

۱- اصول کافی ص ۲۹۰

۲- اصول کافی ص ۲۹۱

۳- سوره حشر آیه ۸

۴- سوره بقره آیه ۱۷۶

خالسی که با انگیزه ویژه‌ای بان اقدام می‌کند، نیکی بخاطر خدا و در راه خدا، اگرچه افرادی را شناسد و ارتباط و آشنائی و خویشی با آنان نداشته باشد باز هم قلبش از محبت و عاطفه نسبت با آنها موج می‌زند. بهمین سبب نه چشم انتظار پاداشی دارد نه سپاسی، رفتار و اقدامش ناشی از علاقه قلبی عمیقی است که در ژرفنای جانش منزل گزیده است، و از سرچشمه بیکرانی مایه می‌گیرد که تمام شدنی نیست، سرچشمه فیاض و مملو محبت الهی آیا ممکن است عاملی جز ایمان و اطمینان بپاداش خیر که خداوند برای نیکوکاران آماده دارد انسان را به نیکی مطلق و خالص و دور از هر گونه اغراض و هدفهای شخصی وادارد؟

پس نیکی و نیکوکاری وقتی واقماً خوب شناخته خواهند شد که منشأ و سرچشمه آن یک خصیصهٔ درونی و ایده‌ای مقدس باشد و جلب رضایت پروردگاریگانه هدف انسان قرار گیرد و اسلام برای ایجاد این ایده و هدف مقدس و عالی در اعماق روح مردم تلاش می‌کند.

برای داوری در هر اقدامی باید انگیزه آن را در نظر گرفت، و نپایستی منشاء هر عملی را از عواقب آن جدا کرد، درست مانند یک بیماری که با توجه بعلل آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

اگر امروز ملل پیشرفته جهان برای توسعه اقتصادی ملل عقب افتاده و کم رشد مبلنی در بودجهٔ سالیانه و برنامه‌های اقتصادی خود منظور میدارند هدف آنها در مرتبه اول انگیزه از یک نوع دوستی مشفقانه و خیر خواهی خالص نیست، بلکه بیشتر بخاطر این است که اگر قوه خرید طرف مبادله ضعیف گردد، و ملل کم رشد برای فرآورده‌های صنعتی این کشورها هیچگونه مصرفی نداشته باشند، حیات اقتصادی‌شان در برابر خطر ورشکستگی قرار خواهد گرفت، و ادامه معاملاتشان دستخوش وقفه و تعطیل خواهد شد، و بالاخره (توازن نسبی حیات اقتصادی طرفین مبادله) انگیزه و مبنای این گونه کم‌کهاست. بسیاری از کارهای خیر فردی نیز وسیله ارضای نیازهای خود خواهانه قرار می‌گیرد و نشانه‌ای از اخلاص در آن دیده نمی‌شود، بلکه غالباً بعنوان پلی از آن برای رسیدن بمقاصد شخصی استفاده می‌شود، در صورتیکه فضیلت یک منبع نیکی است که تنها در سرشت آدمی جای دارد بنا بر این داوری درباره ارزش یک اقدام تنها با توجه بمواقف آن بهیچ روی صحیح نیست، و نباید تنها در تجسس یک معادله ریاضی برای عمل و نتیجه هر کار نیک و اقدامی بود و بعبارت دیگر نمیتوان فقط ریاضیات را در اخلاق دخالت داد، دانشمند معروف فرانسوی و دکتر کارل، سیمای نیکوکاری را در جهان غرب چنین ترسیم می‌کند:

و آثار سودجویی را همه جا می‌توان دید، در زنی که بامور خیریه می‌پردازد ولی در

عمق قلبش بفر کمک به بیچارگان نیست . بلکه می خواهد مدیر مؤسسه ای شود یا نشان د لژیون دونور، بگیرد و یا با تهیه فروشگاهی نفع مادی ببرد ، در پزشک مشهوری که بشاگردان و بیمارانش مصرف داروئی را توصیه می کند که سازنده آن در خفا باو رشوه داده است ، در دانشمندی که هدف مساعی او ترقی علم نیست بلکه امید تهیه یک کرسی آکادمی و امتیازات مالی ناشی از آن است ، در پزشکانی که در آزمایشها و پرستاری بیماران خود جانب اخلاق را نگه نمی دارند ، در دانشجوئی که برای دریافت قبلی پرستهای کنکور دفتر دار دانشکده را تطمیع می کند ، در محصلی که شیرینی ویتامینه اهدائی از طرف مؤسسه خیریه ملی را در بازار سیاه می فروشد اغلب چهره خشن و کریه نفع ، زیر نقاب فداکاری و علم و نوع دوستی و عسمت پنهان می شود . « (۱)

پیامبر عالیقدر اسلام فرمود :

بر هر فردی از مسلمانان لازم است هر روز کار نیکی انجام دهد . مردی پرسید : چه کسی قادر است هر روز کار نیک انجام دهد رسول خدا (ص) پاسخ دادند : همینکه از سر راه و معابر عمومی مسلمانان موانع و اشیاء مزاحم را بردارید کار نیکی محسوب می شود . « (۲)

باید توجه داشت اینکه رسول خدا برداشتن سنگی را از معبر عمومی مسلمین یک اقدام خیر و خدا پسند معرفی می کند ، حداقل امکاناتی است که برای یک فرد ناتوان میسر است یعنی کسیکه موقعیت او ایجاب نمی کند کار بزرگتری را انجام دهد ، و گرنه برای کسانی که امکانات وسیعی از جهات گوناگون دارند باید به نسبت موقعیت و وضع خود بکار نیک اقدام ورزند ، زیرا بین افراد و کارهای آنها بایستی یک رابطه نسبی وجود داشته باشد .

وقتی یکی از دوستان که در خدمات اجتماعی منشأ اثر بود بمن می گفت : برنامه کار روزانه ام این است که هر بامداد پس از خروج از منزل و قبل از آنکه بامور شخصی بپردازم و کارم را آغاز کنم خود را موظف میدانم یک عمل خیر و نیکی انجام دهم هر چند آن عمل خیر راهنمایی کسی باشد که در مورد کارش از من راهنمایی بخواهد و این روش از برنامه های تغییر ناپذیر زندگی من است . «

بقیه در صفحه ۵۷

۱- راه و رسم زندگی ص ۱۶

۲- بحار الانوار ج ۱۵ ص ۱۳۱

مامیخواهیم زن باشیم نه مرد!

«... چقدر خوشحال می‌شوم وقتی منتظر شوهر
و بچه‌ها هستم که بخانه بیایند و حیواناً از دست بخت
من و یا تو، بعضی دگورخانه و... تعریف کنند... وقتی
مشکلی برای من پیش می‌آید شوهر من علناً حمایت
می‌کند و من نیز که آشکارا و پنهانی با او تکیه می‌کنم
احساس غرور می‌کنم... مگر نمی‌شود مردها گردن-
بند نیاویزند و زنها نان آورخانه نشوند...»

جرائد

از اعتراف بالا و سایر اعتراف‌های منصفانه خود زنان که در دست داریم؛ و برای احترام
از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می‌کنیم بلکه از مجموع استدلال‌های مخالفین وحتسبی
موافقین مسأله کارزن در خارج از خانه بخوبی روشن می‌شود که نه تنها شوهرها باین کار
راضی نیستند بلکه خود زنان نیز از ته دل وبمیل طبیعی خویش راضی نیستند و مناسب‌ترین
کار را برای خود خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری میدانند. البته این میل طبیعی علل و
جهاتی دارد که مابعداً آنها را بررسی خواهیم کرد و آنچه در برخی از موارد دیده می‌شود که
زنان باینکار کم و بیش علاقه نشان می‌دهند نه از این جهت است که از روی طبیعت و فطرت اولیه بآن میل
هستند بلکه از روی ضرورت و نیاز مادی و یا حس تنوع طلبی و یا حیواناً از روی هوی و هوس
بآن تن درمی‌دهند بطوریکه بیشتر آنها بید از مدتی کار در بیرون خانه و مواجه شدن با مشکلات
فراوان و کار طاقت‌فرسا، خسته و فرسوده شده از کار خود نادم و پشیمان می‌شوند.
بهترین سند صحت این گفتار مطالعه وضع زنان در ممالکی است که آزادانه در بیرون از
منزل کاری کنند:

در کشور سوئد، کشور آزادی و برابری زن و مرد، در حدود ۸۰۰ هزار زن خانه دار
وجود دارد، این عده پس از مدتی کار در خارج از منزل باین نتیجه رسیده اند که خانه‌داری

بهترین و مناسبترین کار برای جنس زن است اما اکنون دولت سوئد با این دسته از زنان، به جنگ برخاسته و از آنان خواسته است که در کنار خانه و زندگی، وظایف اجتماعی خود را نیز فراموش نکنند.

دولت سوئد برای این منظور مجبور کردن زنان بقبول آن، در قانون خانواده، تغییراتی داده درصدد هستند علی رغم مخالفت‌های زنان خانه‌دار، بزرگترین مبارزه تاریخی را بر ضد زنان خانه‌دار جامعه عمل بپوشانند و باینکه بزنی سوئدی از همان سالهای اول دبستان تلقین میشود که جنسیت زن و مرد در قبول و اجرای هیچ حرفه‌ای فرق ندارند و دخترها، یسار می‌گیرند که چطور با موی تو ماشین کار کنند، آهن را سوهان بزنند و یا مبل و سندی بسازند و در زندگی سیاسی و صنعتی و اموراتی، زنان دوش بدوش مردها پیش می‌روند و لکن زمانی که زن سوئدی بپوهیت مادر شدن نایل می‌شود مشکلات زندگی او شروع شده؛ مجبور بترک کردن کار می‌شود و از اینجا مبارزه زن خانه‌دار و کارمند آغاز می‌شود و حتی کار بجائی رسیده است که سازمان خانوادگی و نقش مادر را در خطر می‌بینند و با اقدام دولت «نهضت کار با اعمال شاقه» لقب داده‌اند (۱).

این ندای واقعی و حقیقی زنانی است که بعد از یک دوران آزادی بی حساب و کار بیرون از خانه و درک مشکلات گوناگون آن، از دولت می‌خواهند که تسهیلاتی برای ورود آنان به درون خانه و انجام وظایف اصلی خود فراهم آورند و دست از اجبار آنان برای کار در بیرون از خانه بردارند و آنان را در این مورد آزاد بگذارند.

چنانکه ۱۳۶ میلیون زن شوروی نیز خواستار بازگشت بدوران قبل از انقلاب هستند، زنان شوروی دیگر نمی‌خواهند کار سنگین مردانه انجام دهند، آنها می‌خواهند دل‌ریا باشند و زیبایی زنانه خود را حفظ کنند (۲).

درست متجاوزان پنجاه سال بعد از انقلاب اکتبر که از نظر ظاهری، برابری حقوق زن و مرد فراهم شد، اینک زنان شوروی دوران آزادی واقعی را شروع کرده‌اند.

در این مدت آنها جان خود را در کارخانه‌ها و مزارع قربانی کردند و دولت برای پیش برد اقتصاد، زنان را بسخت‌ترین کارها و ادار کرده؛ اصول خانوادگی را فدای آن ساختند ولی حالا خواستار خوشبختی زندگی و برآورده شدن خواسته‌های زنانه خود هستند و سرریا اعلام می‌دارند که دوست داشتن یک مرد، صاحب فرزند و خانه بودن و وقت خود

(۱) زن روز ش ۲۹۳.

(۲) اطلاعات ش ۱۲۳۳۲.

را صرف آنها کردن، بیش از شغل و سیاست بر ایمان اهمیت دارد. جالب توجه در تقاضای آنها اینست که زنان بیهانه تساوی حقوق می بایست راه سازی کنند، سنک بیرند و درپای کوره های بزرگ بایستند و اتوبوس برانند و بنائی کنند - تراکتور به حرکت در آورند .

اینک این ندا از حلقوم میلیون ها زن شوروی بیرون می آید: «مامی خواهیم مثل یک زن احساس خوشبختی کنیم» آنها مبارزه میکنند تا دوباره جنس لطیف شوند و آرزوی آنان اینست که لباس خوب بپوشند و بوضع خانه و بچه هایشان برسند و بزرگترین هدف زنان شوروی در حال حاضر این است که زیبایی خود را بازیابند همان چیزی را که در اثر کار سخت و طولانی و در اثر غفلت تا حدودی از دست داده اند .

* * *

نکنه جالب توجه اینکه زنان در این ممالک با اینکه در جمیع شئون مملکتی دخالت دارند با وجود این تنوع کار زن در موارد تخصصی و تخصصی و تحصیل ندارد بمراتب بیشتر از کارهای سطح بالاتر میباشد زیرا وضع روحی و جسمی زن اقتضای بیش از این ندارد از اینرو زیاده دیده می شود که زنان شاغل حتی در پست های حساس اداری نیز در اولین عدم تعادل خانوادگی و یا اشکال شغلی و یا گرفتاریهای دیگر، کار خود را رها می سازند و بخانه شوهر و بچه های خود می چسبند و بهمین علت زن از نظر کار فرمایان و رؤسای مؤسسات اداری و غیر آن يك کارمند و یا کارگر مطمئن بشمار نمیرود چون هر آن انتظار میرود کارش را رها کند و در اثر پیش آمد های ناگهانی و موقتی مثل بیماری کودک، مرخصی رفتن خدمتکار و یا مهمانی ناگهانی، سر کارش حاضر نشود .

و اگر فرض کنیم هیچ وقفه ای در کار بیرون از خانه ایجاد نشده و مرتباً سر کارش حاضر شود باز روحیه اش بخاطر احساس ترس از نرسیدن بکارخانه و فرزندانش کوچک و شوهر خود همواره دچار تزلزل و تردید است از همه اینها گذشته زن کارمند در مؤسسات در اثر اینکه بسا مردان مختلف در محل کار و غیر آن ملاقات میکند چه بسا شوهر خود را قبول نمیکند و در نتیجه اختلافات گوناگون خانوادگی شروع میگردد در حالیکه همین زن اگر تنها با مرد خود برخورد می نمود و تنها با اخلاق و رفتار او مواجه می شد کمتر دچار تزلزل و اضطراب و اختلافات خانوادگی میگشت و موارد بسیاری در مطبوعات می خوانیم که زنهاستیکه بحقوقی رسیده اند و از آزادیهای برخوردار شده اند، اعتدال را فراموش کرده؛ دچار افراط و تفریط گشته اند بخصوص برای عده ای از زنان بخاطر اینکه اول برج پولی میگیرند و دستشان خواه ناخواه برای خرج-

کردن باز تراست سطح توقعشان نیز بالا رفته ، در نتیجه زمینه مساعدی برای ناسازگاری و طلاق فراهم می شود...

بالا تر اینکه در برخی ازموارد در دام شیدان و هوسبازان که دارای رتبه ای مافوق اذاری هستند گرفتار می آیند و بدین طریق نه تنها کار پیشرفت نمی کند بلکه محیط اداره و بالاخره محل کار و فعالیت تبدیل به محیط های ناپاک میگردد .

در خاتمه بهتر است قسمتی از نامه تکان دهنده دختری که بعد از ۸ سال تحصیل در خارج دنبال کار در بد رمی گردد از یکی از مجلات هفتگی برای اطلاع خوانندگان نقل کنیم :

... کسانی که میبایست شغل بمن واگذار کنند بجای اینکه تخصص و معلومات و اطلاعات را بیسند بالبخندی خریداران که گویای پلیدی و کوچ اندیشی بود استقبال می کردند و چنان بسر و پایم خیره می شدند که اصل مطلب یعنی تقاضای مرا از یاد میبردند و بالاخره در کمال وقاحت میخواستند بادیارهای پی در پی ... !! کار را خاتمه دهند وای بر من ، وای بر حال من که اگر خواسته باشم با این اشخاص کنار بیایم ...»

بقیه از صفحه ۵۳

راستی اگر همه مردم مسلمان و علاقمند تصمیم بگیرند برنامه ای را که پیامبر گرامی اسلام ارائه داده است اجرا کنند ، و هر کس به نسبت شغل و امکاناتی که دارد روزی يك اقدام خیر بعمل آورد راستی چرخ زندگی اجتماعی فعالانه بگردش می افتد ، و چه بسیار مشکلات و گرفتاریهای مردم که از این راه حل می شود .

یاری و دستگیری منحرفین و نجات غریقی که در مینجلاب بدبختی دست و پا میزند ، عالی ترین و پر ارزش ترین نوع نیکی و احسان از نظر اسلام است . پیشوای عالی قدر مسلمانین بلی (ع) فرمود :

«اگر یکنفر را ارشاد و هدایت کنی و از گمراهی و انحراف روحی نجات بخشی بهتر از آنست که هزاران شتر سرخ موی را در راه خدا انفاق کنی.»